



۳- چند نکته / مسعود مافان

۸- حاشیه‌ای بر اصل: هیچ چیز مقدس نیست / سلمان رشدی / فرزاد ابراهیمی

نقد ... ظهر ... مقاله

۱۸- مردم / کوششی برای تکنگاری از ۱۲۰ شماره یک روزنامه ناتعارف و نامعمول / ناصر پاکدامن

۴۹- نگاهی به رمان فراز مستد خورشید نوشته نسیم خاکسار / رویا خوشنویس

۵۴- چندبازی در عصر ناصری / سیفی

۵۹- روش تأویل قرآن از منظر ابن سیا / احمد علی

۶۶- از بحران تا بحران / درنگی بر نقش کیمیاگران سرمایه در حیات غرب / علی محمد اسکندری جو

۷۳- فهرستی از کتاب‌های خاطراتی که با سازمان مجاهدین پرداخته‌اند / مسعود درخشان

۷۷- گذری فرهنگ‌نامه‌ای از تفاوت پنج رمان اول شخص و سه خاطرات سیاسی / بهروز شیدا

۸۷- در باب طلاقه و علم انسانی بالجمله و مذیتات احمد فردید بالخصوص / محمدرضا شاهانی

۹۳- فاجعه سیسما رکس آبادان / مجید احمدیان

۱۰۳- نام محمود عنایت به علی اصغر حاج سیدجوادی

۱۰۴- به یاد کسی که از یاد نمی‌رود / علی اصغر حاج سیدجوادی

۱۰۶- از غربت به خانه / نگاهی به اتری از داریوش کارگر / مهدی استعدادی شاد

## گفت و گو

۱۱۴- فینیسم - امیریالستی / گفت‌گو با شهرزاد مجتبی / پانه آبهرامی

۱۱۸- زنان اسفند ۷۵ و آتجه گذشت / گفت‌وگو با مهناز متین / محسن کاکارش

۱۲۴- پای صحبت مهرداد درویش پور / دیرهنگامی انتشار خاطرات سیاسی‌ای چرا؟

## زندان

۱۲۸- نگاهی به دو کتاب خاطرات زندان: شب بخیر رفیق و ملا / نسیم خاکسار

۱۲۵- زنان و ادبیات معاصر ایران / اسد سیف

۱۱۹- خاوران و شعر / شهرور رشید

۱۴۳- زندان و عشق / احمد موسوی

## داستان، شعر، خاطره

۱۴۶- سفر / رضا دانشور

۱۵۰- اکواریوم / نسیم خاکسار

۱۵۸- یو می‌دهند / زهرا باقری‌شاد

۱۶۰- واکنش پایا بد از چهار روز خواهیدن / فرهاد بابایی

۱۶۸- دروغ‌های قدس / فهیمه فرسایی

۱۷۴- خاطرات‌ای از پاریس / محسن حسام

۱۷۹- زن ساکن خیابان سعادت آباد / الی دهنوی

۱۸۲- داستان سوزناک سرگشتشگی مردی که در بی معنای عشق بود / فرهاد داودی

۱۹۱- زندگی گناه آسود / لیدان سعدالدین / برگردان: فریانه فدایی

۲۰۱- کاسه‌ای زیتون / نوشین وحدی

۲۰۶- چند یاریک از مانا آفایی

۲۰۷- "هفت شعر" از برزیدنست حسین شرنگ

۲۰۹- هفت شعر از گلشن احمدی

## معرفی کتاب

### زیر نظر مسعود مافان

۲- گستره‌ی فرهنگ، ادبیات، تاریخ و سیاست  
شماره ۱۴ و ۱۵  
۱۳۹۶



اشتراک و سفارش کتاب‌های باران

Baran

box 40 48

163 04 Spånga, Sweden

tel: +46 8 88 54 74

info@baran.se

[www.baran.se](http://www.baran.se)

جلد: پرتره نسیم خاکسار / عکس از: تریا ابراهیمی

عنوان فصلنامه: علی اشبل

طرح‌ها و عکس‌های داخل فصلنامه باران: اکرم ابوعی

سپیده عباس‌زاده و عباس حجت پناه

صفحه‌آرایی: باران

مسئولیت هر نوشته بر عهده‌ی نویسنده‌ی آن است.

انتشار مطالب باران، مگر به قصد نقد و بررسی،

فقط با اجازه‌ی کتبی باران میسر است.



در اسفند سال ۱۳۵۷ خورشیدی، زنان در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران مانند تبریز، سنتنجر و آبادان اعتراض کردند و به خیابان‌ها آمدند.

زنان از جمله به حجاب اجباری، به پسته شدن مدارس مختلط، به منع شدن سقط جنین، به دستگیری زنان و مردانی که باهم در خیابان راه می‌رفتند و نسبت خویشاوندی باهم نداشتند، معترض بودند. زنان تهران شش روز به علامت اعتراض در خیابان‌ها حضور داشتند. اعتراض گسترده آنان در این روزها «خیزش زنان در اسفند ۱۳۵۷» نام گرفته است.

مهناز متین و ناصر مهاجر دو نویسنده و پژوهشگر در کتابی به نام «خیزش زنان ایرانی در اسفند ۱۳۵۷» به بررسی این اعتراض اجتماعی پرداخته‌اند.

مهناز متین در گفتگوی زیر پیرامون خیزش زنان در اسفند ۱۳۵۷ تشکیل اتحادیه ملی زنان و وضعیت خبیث زنان در خارج از کشور در سال‌های پس از انقلاب ایران سخن گفته است. از این پژوهشگر و فعال حقوق زنان پیش از این کتاب «بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان» نیز منتشر شده است. او همچنین در نگارش و تدوین کتاب‌دو جلدی «گریز ناگیر» (در برگیرنده ۲۰ روایت گریز در سالهای اولیه پس از قدرت گیری حکومت اسلامی است)، مشارکت داشته است.



## زنان اسفند ۱۳۵۷ و آنچه گذشت

محسن خاکارش

گفت و گو با مهناز متین، پژوهشگر و فعال حقوق زنان

جنین منوع است... به کارهای بی‌سابقه‌ای هم دست زدند، از جمله دستگیری و شلاق زدن زنان و مردانی که با هم در خیابان راه می‌رفتند، اما خویشاوندی نداشتند. شلاق زدن مردم به بهانه نوشیدن مشروبات الکلی. شایعه تأسیس وزارت امر به معروف و نهی از منکر... این اقدامات هم به نگرانی اشاره مدرن جامعه دامن می‌زد. بنابراین، با اعلام حجاب اجباری از سوی آیت‌الله خمینی، زنان طبقه متوسط شهری به طور خودجوش به خیابان‌ها آمدند تا اعتراض‌شان را نسبت به وضعیت موجود اعلام کنند.

اشارة کردید که اعتراض آنان به تبعیضاتی بود که داشت اعمال می‌شد، پس می‌توان گفت این زنان خواستگاهی سکولار داشتند؟

— این زنان بی‌تردید به اشاره مدرن جامعه تعلق داشتند و نتیجه یک روند صد ساله تغییر جایگاه زن در ایران بودند. بخش بزرگی از آنها تحصیلات عالیه داشته باشند و کار می‌کردند؛ حتا در سطوح بالا.

به همین دلیل، آنها این حق را برای خود قائل بودند که بتوانند هر طوری که دلشان می‌خواهد لباس پوشند. سال‌ها بود که در ایران دیگر جنگ میان با حجاب و بی‌حجاب پایان گرفته بود. بعد از ماجراهای کشف حجاب

در کتاب خیزش زنان در اسفند ۱۳۵۷، به شش روز خیزش زنان بعد از انقلاب پرداخته‌اید. بیشتر زنان معترض از چه طیفی بودند؟

مهناز متین: طیفی که در خیزش اسفند ۱۳۵۷ شرکت کرد، طیفی از زنان طبقه متوسط شهری بود. این خیزش که بعد از اعلام حجاب اجباری برای زنان کارمند از طرف آیت‌الله خمینی صورت گرفت، عمده‌تاً کارمندان بخش خصوصی و دولتی، پرستاران، آموزگاران، دانشگاهیان، حقوقدانان، پیشکان و مهندسان و به طور کلی زنانی را که کار می‌کردند، به حرکت درآورد. البته دانشجوی، دانش‌آموز و زنان خانه‌دار هم به طور گسترده در آن مشارکت داشتند؛ به ویژه در روزهای نخست.

در واقع نیروی محرکه یا موتور حرکت، زنان کارمند بودند. اعلام حجاب اجباری بیشتر از دیگر اشاره، کاسه صبر آن‌ها را بیزیز کرده بود؛ آن هم به دنبال یک سلسله سیاست‌های زن‌ستیز و تبعیض‌آمیز که در دست انجام بود.

در همان روزهای اول اسفند، اعلام شد که قانون حمایت خانواده، خلاف «شرع مقدس اسلام» است و بنابراین ملغی می‌شود. قضاوت را برای زنان منوع اعلام کردند. در مدارس مختلط را بستند. گفتند سقط

تمام ۱۴۰۰-۰۱-۱۵

رضاشاهی که با زور و سرکوب توأم بود، نوعی صلح اجتماعی بر سر این مسئله بوجود آمده بود.

زنان با حجاب و بی‌حجاب با هم ارتباط داشتند؛ به انتخاب هم احترام می‌گذاشتند و در مجموع، مشکل مهمی در این عرصه از مناسبات اجتماعی وجود نداشت، اما با انقلاب و حتی در جریان انقلاب، مشکل دوباره سر باز کرد. یعنی مسلمانان فناگیک، آن صلح اجتماعی بر سر موضوع حجاب را بهم زندن و تحریکات و تحرکاتی را سازمان دادند، با هدف شروع جنگ با بی‌حجابی. به یک‌باره، به زنان گفته شد نه تنها اجازه ندارند یک رشته مشاغل را بر عهده داشته باشند، بلکه حتی نمی‌توانند خودشان نوع لباس‌شان را انتخاب کنند.

طیف زنانی که به اعتراض نسبت به تغییر موقعیت زن پس از انقلاب برخاستند، نمی‌خواستند چند و چون زندگی و سرنوشت خود را به شریعت اسلامی واکذارند. به این معنا می‌توانیم بگوییم که آنها سکولار بودند. توجه دارید که سکولار به معنای بی‌دین نیست؛ به این معناست که چه دین داشته باشید و چه نه، به جدایی دین از دولت باور دارید و می‌خواهید که دولت موضع بی‌طرفی نسبت به کلیه ادیان داشته باشد.

کتاب «خیزش زنان در اسفند ۱۳۵۷» چه اهمیتی

برای کنشگران زن و جنبش زنان در این دوره دارد؟  
- به یک معنی، خیزش اسفند ۱۳۵۷ تولد دوباره جنبش زنان بود. می‌دانیم که جنبش زنان در ایران قدمتی دست‌کم صد ساله دارد.

زنان برای هر قدم پیشرفت و به دست آوردن حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی به شکل‌های گوناگون مبارزه کرده‌اند؛ از حق مدرسه رفتن گرفته تا اشتغال... اما در ایران هم مانند بسیاری از کشورهای استبدادی، روند تحول موقعیت زن و تغییر مناسبات جنسیتی، پُر از فراز و نشیب بوده، با دوره‌های رکود گاه طولانی، برای نموئه، به سال‌های پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بازگردید. در آن سال‌ها، از سوی برخی محافظ زنان که به حکومت نزدیک بودند، جنب و جوش‌هایی صورت گرفت که دستاوردهایی هم داشت؛ مانند حق رأی و قانون حمایت خانواده. اما در مجموع، این جنب و جوش‌ها، تنها در چهارچوب‌های تعیین شده از سوی حکومت می‌توانست به انجام برسد. به همین دلیل هم مشکل بتوان نام جنبش بر آنها نهاد. به این اعتبار، خیزش زنان در اسفند ۱۳۵۷، پایان دوره رکودی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد

۱۲۳۲ بر جنبش زنان مستولی شده بود.  
خیزش زنان در سال ۵۷، مسئله زن را به عنوان یک مسئله در برابر جامعه مدنی و دولت گذاشت. زنان به صراحت اعلام کردند که حاضر نیستند به هنجارها و معیارها و ارزش‌های ۱۳۰۰ سال پیش تن دهند.

رهبران جمهوری اسلامی اصولاً فکر نمی‌کردند که در مسیر به اجراء درآوردن جزمهای اسلامی‌شان، با چنین مقاومنی برخورد کنند. می‌بنداشتند که «یک مشت» زن «طاغوتی» و «سلطنت طلب» دست به مقاومنی سطحی خواهند زد، اما اکثریت زنان جامعه در کنار حکومت قرار خواهند گرفت یا به برنامه حکومت تن خواهند داد. به گمان آنها، جا انداختن مبانی و احکام شریعت اسلامی، به آسانی در جامعه انجام پذیر بود. اما زنان در خیزش‌شان سه هفته بعد از انقلاب، چنین پاسخ دادند: نه! چنین خبری نیست! این از سوی کسانی می‌آمد که به انقلاب دلستگی داشتند. اکثریت‌شان در انقلاب شرکت کرده بودند. برای سرگونی حکومت شاه مبارزه کرده بودند. به هیچ عنوان خود را ضد انقلاب یا طرفدار حکومت سابق نمی‌دانستند. بنابراین، حقانیتی برای خودشان قائل بودند و زورگویی حکومت تازه را نمی‌پذیرفتند.

## ۹۹

اعلام شد که قانون حمایت خانواده، خلاف «شرع مقدس اسلام» است و بنابراین ملغی می‌شود. قضایت را برای زنان ممنوع اعلام کردند. در مدارس مختلط را بستند. گفتن سقط چنین ممنوع است... به کارهای بی‌سابقه‌ای هم دست زدند، از جمله دستگیری و شلاق زدن زنان و مردانی که با هم در خیابان راه می‌رفتند، اما خویشاوندی نداشتند. شلاق زدن مردم به بهانه نوشیدن مشروبات الکلی. شایعه تأسیس وزارت نگرانی اقشار مدرن جامعه دامن می‌زد. ۶۶

به بیان دیگر، خیزش اسفند ۵۷ به احیاء جنبش زنان منجر شد. از این منظر است که این خیزش برای تمام کسانی که خودشان را با جنبش زنان همبسته می‌دانند و به رفع تبعیض جنسی و برابری حقوق زن و مرد پایبندند، حائز اهمیت است.

بعد از سرکوب‌های دهه ۴۰، گستی میان نسل‌های زنان کشگر به وجود آمد. برای نسلی که بعد از انقلاب

گرایش‌های نظری گوناگونی در اتحاد وجود داشت و حتی شماری از فعالان آن به سازمان‌های سیاسی دیگری گرایش داشتند. برخی هم اساساً سیاسی نبودند. باید گفت که به دلیل ارتباط نزدیک با چریک‌های فدائی خلق، بحث‌هایی در اتحاد ملی زنان به وجود می‌آمد که ربط زیادی به مسئله زن، مبارزه با تبعیض جنسی یا برابری زن و مرد نداشت. این بحث‌های فراسایشی و انرژی‌گیر، سبب شد که اتحاد تواند چنان که باید و شاید، مبارزه برای حقوق زنان را به پیش برد.

با این حال، اتحاد ملی زنان توانست کارهای انجام دهد. برای نمونه، در مقطعی که طرح مقدماتی قانون اساسی ارائه شد، اتحاد جلساتی تشکیل داد. حتی زنان گروه‌های دیگر را فراخواند تا درباره قانون اساسی از منظر حقوق زن، به بحث و بررسی بنشینند. یا وقتی

قانون قصاص مطرح شد و صحبت از آن بود که قانون مجازات در ایران را بر مبنای قانون قصاص تدوین کنند، اتحاد اعتراض‌هایی را سازمان داد. اعضای اتحاد حتی به محله‌های پایین شهر می‌رفتند، تراکت پخش می‌کردند، کلاس‌های آموزشی ترتیب می‌دادند...

عمر این سازمان اما بسیار کوتاه بود؛ از ۵۸ تا ۶۰، یعنی دو سال. پس از سرکوب فراغیر خرداد ۱۳۶۰، اتحاد نیز مانند دیگر تشکل‌های دموکراتیک و علی‌از هم فروپاشید. البته شماری از اعضای آن تا مدتی به

کار نیمه‌مخفى ادامه دادند. اما با توجه به ابعاد سرکوب و بازداشت گسترده دگراندیشان و شکنجه و اعدام، دیگر کار چندانی نمی‌شد انجام داد.

اتحاد ملی زنان متأسفانه توانست مبارزات خود را بر مسئله زن و تبعیض جنسی متمرکز کند. البته در موقعیت انقلابی آن دوران، مسائل و مضلات بسیاری وجود داشت. تنها مسئله زن مطرح نبود. کسی نمی‌دانست سرنوشت انقلاب چه خواهد شد. به همین دلیل، مسائل سیاسی روز، توجه بسیاری از فعالان را به خود مشغول می‌کرد.

با این حال بیلان کار اتحاد، به باور من مثبت است.

به دنیا آمده و در این دوران بزرگ شده، حرکت‌های زنان در آن سال‌ها ناشناخته مانده است. البته پیش از این کتاب نیز کارهایی انجام گرفت و مقالاتی نوشته شد. اما تاریخ‌نویسی و مستندسازی این خیزش تاریخی انجام نگرفته بود. کار ما در این کتاب، گامی است در این جهت.

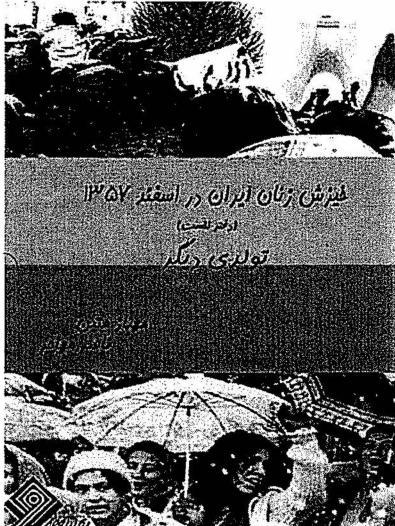
به فراز و فرودهای جنبش زنان اشاره کردید. آیا اتحاد ملی زنان هم در آن دوران تشکیل شد؟ سرنوشت این سازمان به کجا ختم شد؟

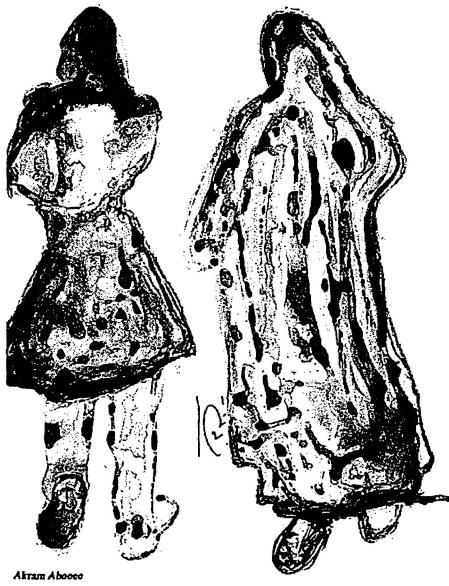
- اتحاد ملی زنان در فوریه سال ۵۸ بوجود آمد. یعنی چند روز بعد از فروکش خیزش زنان. بسیاری از بنیانگذران اتحاد به سازمان‌های سیاسی چپ گرایش داشتند.

بخش زیادی از آنان (نه همه) در خارج تحصیل کرده و در مقطع انقلاب به ایران بازگشته بودند. آنها به هنگام تحصیل در خارج، اغلب حول و حوش کنفراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی فعالیت می‌کردند و در زمینه مسئله زن نیز کم و بیش کارهای انجام داده بودند. از همان ابتدای بازگشت به ایران، تلاش خود را برای پایه‌ریزی یک تشکل زنان آغاز کردند تا بتوانند زنان را دور هم جمع کنند و اقداماتی به انجام رسانند. می‌خواستند در برابر تبعیضاتی که روز به روز

شدت می‌گرفت، واکنشی نشان دهند. در عین حال، درباره مسئله زن و حقوق زنان، به کار فکری و عملی پیردازند. اتحاد ملی زنان به این ترتیب بوجود آمد. داستان پیدایش و همچنین از بین رفتن این سازمان را در کتابی به نام «بازیبینی تجربه اتحاد ملی زنان» گردآوری کرده‌ام.

بسیار گفته می‌شود اتحاد ملی زنان به سازمان چریک‌های فدائی خلق وابستگی داشت. اما به رغم اینکه بیشتر اعضای آن به چریک‌ها نزدیک بودند، این سازمان را نمی‌توان بخش زنان چریک‌های فدائی تلقی کرد. وانگهی، همه اعضای آن هوادار چریک‌ها بودند.





Akram Abooez

انقلاب، برمی‌گردد به سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۲. زنان

ایرانی در آلمان بیشتر از کشورهای دیگر فعال بودند. یکی از عوامل برانگیزاننده فعالیت زنان ایرانی این بود که سفارت‌های جمهوری اسلامی در خارج از ایران، از زنان می‌خواستند که برای گرفتن پاسپورت، عکس با حجاب ارائه دهند. شماری از زنان مانند زنده یاد مسعوده آزاد (که از بنیانگذاران اتحادیه ملی زنان بود و یادمانده‌هایش از آن تجربه را هم در کتاب «بازیبینی تجربه اتحاد ملی زنان» نوشته) اعتراض‌هایی را در آلمان آغاز کردند.

آنها می‌گفتند نباید بگذاریم جمهوری اسلامی ما را در خارج از کشور هم مجبور به گذاشتن حجاب کند. در ایران، سرکوب و خفقان شدت می‌گرفت و تبعیض نسبت به زنان روز به روز بیشتر و بدتر می‌شد. این خود دلیلی بود برای شکل‌گیری تشکل‌های زنان ایرانی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا. خیلی از کسانی که اساساً به خاطر فعالیت‌های سیاسی بیرون آمده بودند، نمی‌توانستند تبعیض‌های روزافروز نسبت به زنان را نادیده بگیرند.

از سوی دیگر، رویدادهای سال‌های پس از انقلاب، بسیار تأمل برانگیز بود؛ به ویژه در مورد زنان. پرسش این بود که چه شد موقعیت زنان در ایران به چنین جایی رسید؟ چکار باید می‌کردیم یا نمی‌کردیم که به اینجا نرسیم؟ سازمان‌های سیاسی چه نقشی داشتند؟ چرا سرنوشت انقلاب چنین شد؟ رفته رفته، افراد و محافلی

همین که طیفی از زنان حساس به مسئله زن، با افق‌های عقیدتی و سیاسی مختلف، با هم وحدت کردند و یک تشکل مبارزه‌جو به وجود آوردن، فی‌الفقه گام مثبتی بود. آنها در جریان عمل موفق شدند سازماندهی دمکراتیکی بین خودشان به وجود بیاورند. به رغم بستگی به گرایش‌های گوناگون فکری و سیاسی، توانستند با هم کار کنند. اساس‌نامه این سازمان، از ظرفیتی برخوردار بود که اجازه چنین مناسبات دموکراتیکی را می‌داد.

کار بسیار خوبی که چند تن از اعضای اتحاد پس از فروپاشی آن به انجام رساندند، نوشتمن درباره تجربه اتحاد بود. یعنی چند نفر از بنیانگذاران و فعالان اتحاد دور هم نشستند و تجربیات‌شان را به روی کاغذ آورند. این سند باقی ماند، اما چاپ نشد. چند سال پیش که من در مورد جنبش چپ و مسئله زن یک کار پژوهشی انجام می‌دادم، دوستی این متن را در اختیار من گذاشت که به صورت دست‌نوشته بود. این شد آغازی برای نوشنی کتاب «بازیبینی تجربه اتحاد ملی زنان» که در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسید.

## ۹۹

خیزش اسفند ۱۳۵۷ تولد دوباره جنبش زنان بود. می‌دانیم که جنبش زنان در ایران قدمتی دست‌کم صد ساله دارد. زنان برای هر قدم پیشرفت و به دست آوردن حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی به شکل‌های گوناگون مبارزه کرده‌اند؛ از حق مدرسه رفتن گرفته تا استغال... اما در ایران هم مانند بسیاری از کشورهای استبدادی، روند تحول موقعیت زن و تغییر مناسبات جنسیتی، پُر از فراز و نشیب بوده، با دوره‌های رکود گاه طولانی.<sup>۶۶</sup>

بخشی از اعضای اتحاد که به ناچار به خارج آمده بودند، نفعه‌هایی را به وجود آورده‌اند برای شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌های زنان در خارج از کشور. بخشی از مبارزه زنان تبعیدی در خارج، به این ترتیب سازماندهی شد. این هم جنبه مثبت دیگر اتحاد ملی زنان بود.

آن دسته از اعضای اتحاد ملی زنان که ایران را ترک کردند در خارج چه فعالیتی داشتند؟  
- آغاز فعالیت‌های زنان در خارج کشور پس از

۹۹

شروع به بررسی و تأمل کردند. در کشورهای مختلف، برخی از اعضای اتحاد ملی زنان، به دلیل تجربیاتی که در ایران داشتند، در پی ریزی گروههای زنان پیش‌قدم شدند؛ مثلاً در فرانسه.

بیلان کار اتحاد، به باور من مثبت است. همین که طیفی از زنان حساس به مسئله زن، با افق‌های عقیدتی و سیاسی مختلف، با هم وحدت کردند و یک تشکل مبارزه‌جو به وجود آوردند، فی‌النفسه گام مثبتی بود. آنها در جریان عمل موفق شدند سازماندهی دموکراتیکی بین خودشان بوجود آورند. به رغم بستگی به گرایشات گوناگون فکری و سیاسی، توانستند با هم کار کنند. اساس‌نامه این سازمان، از ظرفیتی برخوردار بود که اجازه‌ی چنین مناسباتِ دموکراتیکی را می‌داد <sup>۶۷</sup>.

خود من در ایران طرفدار یکی از گروههای چپ مارکسیست بودم؛ فعالیتم در ایران، ریطی به مسئله زن نداشت. نه تنها در جنبش زنان – مثلاً اعتراض علیه حجاب اجباری – شرکتی نداشتم که هیچ چیزی هم از آن برده زمانی در خاطرم نمانده بود. در خارج از کشور، زنانی که در آن جنبش شرکت کرده بودند، از تظاهرات زنان صحبت می‌کردند. دلم می‌خواست بدایم چه اتفاقی افتاده؟ این خیزشی که چیزی از آن به یادم نمانده بود، چگونه شکل گرفته؟ اعضای اتحاد ملی زنان که آن موقع در پاریس زندگی می‌کردند و گروه زنانی هم تشکیل داده بودند، تجربیاتشان را به ما منتقل کردند.

در مورد خود من، تماس با همین زنان بود که مرا نسبت به مسئله زن و تبعیض جنسی حساس کرد. البته فقط هم اتحاد ملی زنان نبود. زنانی با گذشته و تجربیات گوناگون، در اروپا و آمریکا، کار روی مسئله زن را آغاز کردند.

یک پخش مهم از کار، تأمل درباره چرایی و چگونگی رویدادهای ایران بود. کارهای عملی مان هم اعتراض به وضعیت ایران بود و شناساندن وضعیت زنان ایرانی به افکار عمومی کشورهایی که در آن زندگی می‌کردند. هر سال، برای روز جهانی زن بزرگداشت می‌گذاشتیم و این هم فرستی می‌شد برای بررسی وضعیت زنان در ایران. ارتباط‌هایی میان فعالان ایرانی در کشورهای مختلف به

وجود آمد. جلسات مشترکی گذاشته شد. کنفرانس‌ها و سمینارهای سالانه منظم در دستور کار گرفت. نشریاتی به وجود آمد نیمه دیگر «که باید واقعاً بر آن ارج گذاشت. ارتباط با زنان فمینیست اروپا و آمریکا – علاوه بر کمک‌های عملی که به ما می‌کردند – آموزه‌های بسیار خوبی برای ما دربرداشت. تجربیات ما هم برای آنها جالب و آموزنده بود.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ که فعالیت در مورد حقوق و موقعیت زن را شروع کردیم، هنوز اغلب گروههای سیاسی، کارهای ما را جدی نمی‌گرفتند. به رغم تجربه فاجعه‌بار ایران، هنوز مسئله زن را حاشیه‌ای و بی‌اهمیت تلقی می‌کردند. تلاش‌های زنان و وضعیت ایران موجب شد که آنها هم بعداً تغییر رویه بدنهند.

به هر حال، به این ترتیب بود که حرکت زنان در خارج کشور کم پا گرفت و به جایی رسید که امروز می‌بینیم.

عملده‌ترین کار جنبش زنان در خارج از کشور چه بود؟  
– تأمل روی مسئله زن به طور کلی و مسئله زن در ایران به طور ویژه، از کارهای مهم فمینیست‌های ایرانی در خارج کشور بوده است. نشایه‌ها و کتاب‌های با ارزشی انتشار یافته‌اند.

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران تأسیس شد که امسال بیست و پنجمین کنفرانس خود را برگزار کرد. یعنی بنیاد به طور پیوسته هر سال یک کنفرانس ترتیب داده است. این کار کمی نیست. کنفرانس‌های سالانه دولستان فمینیست‌مان در آلمان، قدمتی بیشتر دارد. این کنفرانس‌ها، فرصتی به زنان علاقمند داد تا کارهای فکری‌شان را عرضه کنند و به بحث و تبادل نظر دامن زند. وظایف و چشم‌انداز جنبش زنان برای رفع تبعیض و تأمین حقوق برابر هم در همین فرصتها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

ارتباطی که به ویژه بنیاد پژوهش‌های زنان ایران میان فعالان داخل و خارج برقرار کرد (و کماکان می‌کند)، بسیار مهم است. بعد از دهه صحت که فضای سیاسی قدری آرام‌تر شد، بنیاد امکانی فراهم آورد تا زنانی که می‌توانستند به خارج بیایند، بتوانند کارهایشان را به فعالان خارج ارائه کنند و آنها را در جریان مسائل و معضلات زنان در ایران قرار دهند. این شروعی شد برای ارتباط بین زنان فعال داخل و خارج. تمام گزارش‌های کنفرانس‌های سالانه، به همت گلناز امین، مسئول بنیاد، به چاپ رسید و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

زیادی در تحول طرز فکر سنتی در این عرصه داشته است. امروز، کنشگران زن در داخل و خارج با سرفرازی خود را فمینیست می‌نامند.

وقتی از جنبش زنان صحبت می‌شود، معمولاً این جنبش را در مرکز می‌بینند. شما در این کتاب به آبادان، تبریز، سنتنچ هم پرداخته‌اید. جنبش زنان در آن مناطق به چه صورتی بوده؟

- کار ما در کتاب خیزش زنان در اسفند ماه ۱۳۵۸، به طور مشخص به حرکت‌های زنان در آن برده خاص مربوط می‌شود، نه جنبش زنان به طور کلی. چون بررسی جنبش زنان در شهرهای مختلف نیاز به کار جدآگاههای دارد که البته کسانی در حال انجام آن هستند. در مورد این خیزش، می‌دانیم که حرکت‌های مشابهی در شهرستان‌ها هم پا گرفت. مثلاً در برخی جاهای همزمانی با روز جهانی زن باعث شده که این روز تبدیل شود به روز اعتراض‌علیه حجاب اجباری. ما در کتاب، تجربه یک زن پرستار را در آبادان اورده‌ایم. او فضای آبادان و واکنش زنان پرستار به حجاب اجباری را تا حدی ترسیم می‌کند. در سنتنچ و تبریز، به همین ترتیب، زنان اعتراض‌هایی را سازمان دادند. خواسته‌های زنان تهران، در شهرستان‌ها هم وجود داشت.

در شیراز، اصفهان و شهرهای دیگر ظاهراتی انجام گرفت. خیزش زنان در شهرهای مختلف نیاز به پژوهش خاص خود را دارد که در این کتاب ما متأسفانه بسیار کم توانستیم به آن پردازیم. نمی‌دانم تا چه حد موفق شدیم بگوییم که اعتراض‌علیه حجاب اسلامی، مختص زنان تهران نبود؛ زنان شهرستانی هم - دست کم در شهرهای بزرگ - همان خواسته‌ها را داشتند. به رغم کوشش‌مان، توانستیم تجربه بیشتر از سه شهر را بازتاب دهیم.

امروز فمینیستهای مناطق مختلف، به طور جدی مشغول کار روی مسائل زنان مناطق خود هستند؛ زنان کرد، زنان ترک... این امر برای ما به عنوان فمینیست‌های ایرانی و نیز به طور کلی برای جنبش زنان ایران بسیار اهمیت دارد. باید از این «تهران مرکزی» عبور کنیم تا همه زنان ایران بتوانند مسائل ویژه خودشان را هم مطرح کنند که بی‌تردید بخش تفکیک‌ناپذیر مسائل و معضلات همه زنان ایران است. ■

به این ترتیب بود که حاصل تجربیات فکری و عملی خارج به ایران منتقل شد. بویژه در مورد آنچه در مسائل مشخص زنان ایران حائز اهمیت بود. مثلاً جایگاه مذهب در مناسبات جنسیتی و نیز مباحثی بر سر مبانی فمینیسم؛ تاریخچه مبارزات زنان در جهان... بحث‌هایی زیادی در نظریه‌ها و کتاب‌ها و چه ضمن کنفرانس‌ها.

۹۹

در دوره‌ای که ما تازه کار را در خارج شروع کردیم، نگاه منفی نسبت به فمینیسم و فمینیست‌ها هنوز غالب بود. در بهترین حالت، با شوخی و تمسخر به آن برخورد می‌کردند. در مقطع انقلاب، کمتر کسی می‌گفت که من فمینیست هستم؛ حتی اغلب فعالان زن هم پرهیز داشتند خود را به عنوان فمینیست معرفی کنند. ۶۶

ارتباط بین جنبش زنان در خارج و داخل، در حد یک تماس ماند یا اینکه جنبش زنان خارج از کشور تاثیری بر جنبش داخل هم داشت؟

- طبعاً تأثیر داشت. البته نمی‌توانیم بگوییم که ارتباط تشکیلاتی و ارگانیک وجود داشت. تأثیر اساساً در عرصه فکری بود. به این معنی که کار فکری مستمر در ایران خیلی دشوار بود؛ دست کم در آن زمان. هم به دلیل اختناق موجود و هم به دلیل نبود منابع جدی. کتاب و جزویه عمده‌تا در خارج از کشور به انتشار می‌رسید.

مباحث این ترتیب به ایران هم رفت. در دوره‌ای که ما تازه کار را در خارج شروع کردیم، نگاه منفی نسبت به فمینیسم و فمینیست‌ها هنوز غالب بود. در بهترین حالت، با شوخی و تمسخر به آن برخورد می‌کردند. در مقطع انقلاب، کمتر کسی می‌گفت که من فمینیست هستم؛ حتی اغلب فعالان زن هم پرهیز داشتند خود را به عنوان فمینیست معرفی کنند. باور عمومی این بود که فمینیست‌ها به مسائل بی‌اهمیت یا جنی می‌پردازند.

سال‌ها کار لازم بود تا این ایده مورد قبول قرار گیرد که فمینیست‌ها خواهان تغییر و تحول جامعه هستند. می‌خواهند مناسبات جنسیتی پدر / مرد سالار را به نفع زنان دگرگون کنند. این تغییری مثبت و پیشروست که مآل ب سود تمام جامعه خواهد بود. حاصل فعالیت‌های نظری و عملی کنشگران خارج کشور، بی‌تردید اهمیت